



فرهنگی

شنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۷ / شماره ۲۹۶

اخبار

داوران جشنواره‌ی سینما حقیقت معرفی شدند

هیات داوران بخش «مسابقه ملی»، «جایزه شهید آوینی» و «مستندهای معدن و صنایع معدنی ایران» دوازدهمین دورهی جشنواره بین‌المللی سینماحقیقتمعرفی شدند.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، هیات داوران بخش «مسابقه ملی» این دورهی جشنواره که ۷۱ فیلم راه‌یافته به این بخش، در سه گروه مستندهای کوتاه (۴۰-)، نیمه‌بلند (۷۰-۴۰) و بلند (۷۰+) را داوری خواهند کرد، عبارتند از: مهوش شیخ‌الاسلامی (پژوهشگر و مستندساز)، علیرضا قاسم‌خان (مدیر فرهنگی و تهیه‌کننده)، محمدحسن دامن‌زن (مستندساز)، سودابه مجاوری (پژوهشگر و مستندساز)، وحید موسائیان (مستندساز و کارگردان سینما)، سعید عقیقی (نویسنده و منتقد سینما) و آرش لاهوتی (مستندساز و کارگردان سینما).

در بخش «جایزه شهید آوینی» این جشنواره هم اکبر نبوی (روزنامه‌نگار و تهیه‌کننده)، محمدهادی نائیچی (فیلمنامه‌نویس و کارگردان) و پناهرخدا رضایی (مستندساز و کارگردان سینما) ۲۹ فیلم راه‌یافته به این بخش با موضوع انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و حوزه‌ی مقاومت را داوری خواهند کرد.

هیات داوران بخش مسابقهٔ فیلم‌های مستند معدن و صنایع معدنی ایران هم فرشاد فدائیان (پژوهشگر و مستندساز)، سیدحسین حق‌گو (مدیر فرهنگی و تهیه‌کننده) و مهرداد زاهدیان (مستندساز) هستند. در این بخش ۱۶ فیلم پذیرفته شده است. دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «سینماحقیقت» طی روزهای ۱۸ تا ۲۵ آذرماه ۱۳۹۷ به دبیری «سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد» در پردیس سینمایی چارسو برگزار خواهد شد.

از مرغ آمین شهزاد و نقره‌جات حاج عبدالله تا فقر هنری سریال‌ها



زبورآلات «خرم سلطان» در سریال حریم سلطان و گردنبدن مرغ آمین در سریال «شهرزاد» نمونه‌هایی از زبورآلات مطرح و محبوب بین ایرانیان محسوب می‌شوند که جای خوش‌شان را از طریق فیلم و سریال بین مردم باز کردند.

به گزارش ایسنا، «نقره‌جات اعلا از حجره حاج عبدالله، انگشترهایی با سنگ‌های فیروزه نیشابور که کلب آن هم کار دست خود حاج عبدالله است»، بخشی از دیالوگ سریال «بلوئی عمارت» است که هر شب از شبکه سه سیما پخش می‌شود.

به گفته مجید مولایی - تهیه کننده - این سریال تاریخ را روایت نمی‌کند و ملودرامی عاشقانه است و مناسبات و روابطش کاملاً معقول و جدی پیش می‌رود و جدی بودن این سریال وجه سرگرم‌کننده آن است. اما برخی از شخصیت‌های تاریخی آن ما به ازای بیرونی داشته و ترور ناصرالدین شاه را در آن خواهیم دید.

در قسمت سوم این سریال یکی از سکن‌ها، خواهر یکی از خواستگارهای شخصیت زن قاجاری به نام «فخر زمان» را نشان می‌دهد که تحفه‌های پیشکشی را از کبسه‌های ترمه و جعبه‌هایی از مرغوب‌ترین چوب‌ها و ظروف‌های نقره با سنگ‌های فیروزه درمی‌آورد و نشان می‌دهد. زبورآلات و جعبه‌هایی در سطح پایین که به هیچ وجه حس فاخر و اصیل بودن هنرهای دستی زمان خود را به مخاطب القا نمی‌کنند. استفاده از زبورآلات سنتی و صنایع دستی در فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی دنیا بسیار رایج است. سرویس جواهرات خرم سلطان در سریال ترکی «حریم سلطان» با مخاطبان گسترده‌ای در ایران مواجه شد و تا مدتی مدل زبورآلات سبک او در فروشگاه‌ها عرضه می‌شد. همچنین گردنبدن مرغ آمین در سریال «شهرزاد» نیز با مخاطبان بسیاری مواجه شد.

یک کارشناس صنایع دستی درباره استفاده از زبورآلات در فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی ایرانی به ایسنا، گفت: متأسفانه در سریال‌های تاریخی ایران زبورآلات و صنایع دستی تقلبی به مخاطبان معرفی می‌شود و دلیل آن سوء استفاده از دید مخاطبان است و معتقدند چون مخاطب متوجه نیست پس کافی است یک رنگ آبی مشابه فیروزه را به همراه یک تکه فلز نشان دهیم تا ببینند آن را به عنوان زبورآلات بپذیرد.

محمد رضا گرامی بیان کرد: تهیه‌کننده‌های سریال‌های ایرانی حاضر نیستند برای طراحی و خرید زبورآلات هزینه کنند. در فیلم‌هایی که در هالیوود یا کشورهای مثل ایتالیا و فرانسه می‌سازند به تمامی مسائل توجه می‌شود و هر چیزی کارشناس خودش را دارد. اما در فیلم‌های ما بدلیجات ارزان را تهیه و در فیلم‌ها استفاده می‌کنند.

گردنبدن مرغ آمین

او با اشاره به گردنبدن مرغ آمین در سریال «شهرزاد» نیز اظهار کرد: این گردنبدن یکی از کارهای تکتم فاضل و بهرام دشتی‌نژاد بود. با وجود آنکه این سبک کارها متعلق به دوره سقاخانه‌ای که مربوط به دوره پهلوی دوم بود، اما کارگردان «شهرزاد» بدون توجه به دوره تاریخی سریال و سبک زبورآلات آن دوره از این گردنبدن استفاده کرد.

این کارشناس صنایع دستی با بیان اینکه کشور ترکیه بعد از ایتالیا دومین کشور صادرکننده در زبورآلات است و سیاست‌های خود مثل تبلیغ زبورآلات را به راحتی در سریال «حریم سلطان» در نظر گرفت، افزود: در حالی که ما بستری برای این مسائل در سریال و فیلم‌هایمان نداریم. هر کارگردان یا تهیه‌کننده‌ای باید برای استفاده از زبورآلات در سریال‌هایشان با چند کارشناس متخصص در این حوزه مشورت کنند. مرحوم علی حاتمی در فیلم‌سازی به کوچک‌ترین جزئیات توجه نشان می‌داد زیرا می‌دانست باید چه کاری انجام دهد و تهران قدیم را می‌شناخت.

وی گفت: در فیلم‌های هالیوودی خطاهای بسیاری اتفاق افتاده اما موضوعی مثل استفاده نکردن درست از زبورآلات مرتبط با دوره تاریخی، خطا محسوب نمی‌شود بلکه سوء استفاده از ناآگاهی مردم است زیرا عوامل ساخت یک سریال نمی‌خواهند برای آن هزینه کنند. عوامل یک فیلم باید درباره زبورآلات دوره تاریخی که می‌خواهند بسازند، پژوهش کنند سپس با توجه به آن دوره، طراحی و ساخت خوب صورت بگیرد تا بتوانند شناخت درستی از زبورآلات آن دوره به مخاطبان بدهند. گرامی با بیان اینکه یکی از راه‌های شناخت دوره‌ها، هنر یک کشور است که تشخیص دهیم در آن دوره چه اتفاقاتی می‌افتاده است، اظهار کرد: دوره صفوی، تیموری و سلجوقی دوره پر قدرت هنر بوده است. در دوره پهلوی نیز اتفاقی در حال رخ دادن بود تا ۱۰۰ سال بعد از آن بگویند این سبک متعلق به دوره پهلوی است اما این جریان بعد از انقلاب قطع شد. در حال حاضر نیز پایه‌ای برای این موضوع تعریف نشده است و بیشتر زبورآلات، کپی از آثار خارجی محسوب می‌شوند.

تجلیل از نویسنده افغانستانی در اختتامیه‌ی جایزه جلال

در اختتامیه جایزه ادبی جلال آل احمد از احمد مدقق، نویسنده «آوازهای روسی» تجلیل می‌شود. به گزارش ایسنا بر اساس خبر رسیده، اعضای هیات داوران بخش رمان و داستان بلند یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در جریان بررسی آثار این بخش، کتاب «آوازهای روسی» نوشته احمد مدقق را شایسته تحسین دانسته و پیشنهاد تجلیل از این نویسنده و اثر ادبی او را به دبیر خانه این جایزه ارائه دادند. این گزارش می‌افزاید، دبیر خانه یازدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد نیز با توجه به این پیشنهاد و در ادامه برنامه‌های خود مبتنی بر توجه به ظرفیت‌های نویسندگان فارسی‌زبان غیرایرانی تجلیل از اثر احمد مدقق با عنوان «آوازهای روسی» را در برنامه‌های اختتامیه جایزه ادبی جلال آل‌احمد قرار داد

ایسنا بررسی کرد:

متروکه شد!



دوبار چند مسئول آمدند و از حمام دیدن کردند، اما هنوز هیچ اتفاق دیگری برای این حمام رخ نداده است. دیگر به بازسازی حمام هیچ آمیدی نداریم.

حمام قدیمی کن را سال ۱۳۸۰ و با شماره ثبت ۳۷۹۱ میراث فرهنگی در فهرست آثار ملی ثبت کردند، گفته می‌شود سند این بنا را به یکی از بخش‌های دانشگاه شهید بهشتی واگذار کردند و برخی اقدامات مرمتی برای حمام انجام دادند، حتی در بخش‌هایی نیز مقاوم‌سازی روی آن انجام شد، ولی در نهایت بنا را نیمه‌کاره به حال خود رها کردند.

کن را یکی از مناطق قدیمی تهران که نه، بلکه از دهکده‌های ری معرفی می‌کنند، منطقه‌ای با حدود ۲۰۰۰ سال قدمت، حتی به واسطه‌ی قرار گرفتن یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های قدیم ری که از کوه‌های امامزاده داوود در این منطقه سرچشمه داشته و تا دریاچه قم می‌رود این قدمت را به آن نسبت داده‌اند، درختان کهن‌سال چندصد ساله، امامزادگان کن و آداب و سنن خاص منسوخ شده‌اش را از دیگر خصوصیات این منطقه‌ی تاریخی معرفی می‌کنند اما به نظر می‌رسد این اتفاق دست‌کم امروزه دیگر فایده‌ای برای توجه بیشتر به قدمت این منطقه نداشته باشد. چه برسد به ساخت‌وسازهای اطراف این بنای تاریخی که کاملاً مشخص است در نبود هیچ نیروی یگان حفاظت و نظارت درستی از سوی میراث فرهنگی در طول سال‌های گذشته انجام شده‌اند!

پهلوی را در خود دارد.

او نیز به ایسنا می‌گوید: خاطرم هست که از این حمام تا حدود ۲۵ سال پیش استفاده می‌شد. برخی روزها بانوان از حمام استفاده می‌کردند و برخی روزها مخصوص مردها بود. از آن زمان تا امروز وضعیت حمام به همین شکل باقی مانده است.

عسگری، از دیگر پیرمردهای بیش از ۶۰ ساله‌ی کن است که می‌گوید: آخرین باری که پا در این حمام گذاشتم چند هفته قبل از تعطیلی آن بود. چند سال آخری که این حمام باز بود خزینه جایش را به دوش‌های کنار هم داده بود اما بعد از مدتی حمام را بستند، در همه خانه‌ها حمام ساخته بودند و مردم احساس نیاز نمی‌کردند تا به حمام بیرون بروند.

او ادامه می‌دهد: یکی، دو سال بعد از پیروزی انقلاب حمام به حال خود رها شد، ای کاش یک فرد بانی می‌شد تا این حمام احیا شود. باید آن را مقاوم‌سازی کرد تا با باران‌های زمستان از بین نرود، می‌توان از آن به عنوان یک بنای گردشگرپذیر استفاده کرد. فضای بیرونی شاید نتوان چیز زیادی از وضعیت امروزی این بنا تشخیص داد، اما حرف همسایه‌ی روبه‌رویی حمام وضعیت را بدتر از آن چه که هست نشان می‌دهد. محمدی به ایسنا می‌گوید: خدراشکر هیچ معتادی نمی‌تواند به این فضا وارد شود، اما بی‌توجهی‌های زیادی که در طول این سال‌ها به این بنا شده است، باعث شده به مرور ستون‌های این بنا سست شود، یکی

قدمی در این بنای تاریخی موثر باشد، اما از تبدیل این حمام قدیمی که تا امروز دست‌کم سرپا مانده به نقطه‌ای گردشگری در کن، استقبال نمی‌کند و می‌گوید: بعد از چهار سال شما اولین نفری هستید که درباره‌ی این حمام سوال می‌کنید، هیچ کس دیگر تاکنون درباره‌ی حمام هیچ پرسشی نکرده بود، چطور فکر می‌کنید می‌تواند آن قدر معروف شود که گردشگران زیادی را جذب کند؟ عمو حسن نیز از هم‌سن و سال‌های مهدی طاهری است، او حتی زمانی را که از این حمام استفاده می‌کرده، به خاطر دارد و بیشتر به یاد گذشت‌اش می‌افتد.

آق‌نر با حسرت از باغ‌های تخریب شده کن و از روزهایی که به واسطه‌ی نبودن آب لوله‌کشی شده، از این حمام استفاده می‌کرده، حرف می‌زند که هر شونده‌ای تنها مجرم به وجود آمدن این وضعیت را توسعه و تکنولوژی می‌داند.

این پیرمرد بومی کن، ادامه می‌دهد: آن حمام خزینه و دوش داشت، خاطرم هست چه تزیینات زیبایی داشت، و چه قدر دوست داشتم به خاطر زیبایی‌های آن فضا، هر روز به حمام برم، اما با آمدن حمام به خانه‌های مردم کن، به مرور از این حمام نیز دیگر هیچ استفاده‌ای نشد و به مرور رفت و متروکه شد.

رضا محمدخانی هم با حدود ۵۵ سال سن، از دیگر قدیمی‌های ایستگاه یخچال کن است، منطقه‌ای که به نظر می‌رسد از بخش‌های قدیمی کن بوده که هنوز چند اثر تاریخی قاجار و

جای جوراب‌ها را با حیات‌وحش عوض کردند



دوزستان هم وجود دارد.

خیابان قزوین، بلوار بریانک، خیابان «شهید دعوتی» هر روز هفته به جز شنبه از ساعت ۸ تا ۱۸ امکان بازدید از این موزه با ورودی چهار هزار تومان امکان پذیر است.

تولید شده هم با سیم‌هایی به خانه‌ها توزیع می‌شد، برق هم به واسطه فعالیت این کارخانه به محله آمد و خانه‌ها را روشن کرد.

اما از اسناد باقی مانده متعلق به این کارخانه از دوره‌های گذشته، عکس از کارگرانی است که نخستین کلاه دوره پهلوی را بر سر دارند.

این کارخانه که المانی‌ها آن را ساختند، آذر ۱۵، ۱۳۷۸، در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و بعد از مرمت، به موزه حیات وحش و تاریخ طبیعت تبدیل شد.

این ساختمان قدیمی امروز یکی از مفاخر معماری به یادگار مانده از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی است. شهرداری منطقه ۱۰ تهران، بعد از اسب‌بایی که به بنا وارد شده بود، آن را در خرداد سال ۱۳۷۶، به عنوان «موزه آثار طبیعی و حیات‌وحش هفت‌چنار» تهران افتتاح کرد و حالا این موزه در زمینی به مساحت هفت هزار و ۶۹۳ متر مربع در دو سالن، با نمایش حشرات، انواع نرم‌تنان، اسفنج‌ها، مرجان‌هاف نمونه‌های پستانداران آفریقایی، پرندگان ایران، درباره‌ی رشته کوه‌های البرز، زاگرس، آکواریم، کارگاه تاکسیدرمی تشکیل شده است.

انتخاب نام «هفت‌چنار» برای حضور هفت درخت چنار کهنسال روی این محله و در نهایت سر در موزه‌ای است که جای جوراب‌ها را گرفت، انجام شد.

حتی برخی این موزه را «مازون در مرکز شهر» معرفی می‌کنند، بنایی با دو ستون آجری با طاقی قوس‌دار و آجرچین و چراغ‌هایی که سردر زیبای این بنا را تشکیل داده‌اند. دورتا دور موزه هم با دیوار آجری و نرده‌های طرح‌دار پوشانده شده است.

در موزه حیات وحش هفت‌چنار، بیش از ۳۰۰ گونه جانوری زنده در انواع پرندگان و ماهی نگهداری می‌شود. تاکسیدرمی در انواع خزنده، حشرات، پرندگان، ماهی‌ها و

۹۶ سال قبل در شمال میدان «بریانک» در ضلع شرقی خیابان «اعتماد» امروزی، کارخانه‌ی «جوراب‌بافی» را افتتاح کردند. تا قبل از این اقدام صنعتی، جوراب‌ها که بیشتر در قالب پاپوش بودند در خانه‌ها و با جنس و فرم‌های مختلف دوخته می‌شدند، حتی اسناد می‌گویند در ایران قدیم چیزی به اسم جوراب وجود نداشت.

به گزارش ایسنا، بانوان چاقچور می‌پوشیدند - چیزی شبیه به جوراب شلواوری امروزی - و مردها نیز «هچ پیچ» تا زمانی که ناصرالدین شاه به فرنگ رفت. جوراب‌های آنجا را دید و چند نمونه به کشور آورد. اما این پایان ماجرا نبود، سرانجام کارخانه جوراب‌بافی ۱۳۰۱ در پهلوی اول ساخته شد.

نصرالله حدادی، تهران‌شناس اما ساخت این کارخانه را به یک دلیل متفاوت و جالب مربوط می‌داند. «شرف پهلوی با دختری دوست بود که پدرش از فرنگ مقدار زیادی جوراب آورده بود. چون میانه آنها شرکاب و دعویانشان شده بود او به همه بچه‌های کلاس یکی یک جفت جوراب هدیه داد به جز اشرف. اشرف هم که ناراحت شده بود ماجرا را برای پدرش، رضاخان تعریف کرد. خلاصه دلاخوری اشرف به بیکار شدن پدر آن دختر از دربار پهلوی و ساخت کارخانه جوراب‌بافی به همین بنای موزه هفت‌چنار فعلی ختم شد».

دودکش کوره کارخانه سابق، شبیه دودکش کوره‌های آجربری اطراف تهران می‌دانند، با این تفاوت که از آجری مرغوب ساخته شده و ارتفاع کمتری دارد. دهانه دودکش هم با تزیینات آجرچینی زیباتر شده و لبه دودکش یک ردیف شیشه‌کاری هم دیده می‌شود. با استفاده از حرارت این کوره، برق تولید می‌شده و مازاد انرژی برق

روایتی از مستند «عبور ناممکن»، پیام دبیر جشنواره‌ی سینما حقیقت و نمایش مستندی از «کارل لمله» از جمله خبرهای رویداد سینمای مستند است.

سیدمسود امامی می‌گوید: «عبور ناممکن» درباره‌ی آزادسازی خرمشهر و عملیات بیت‌المقدس است و با نگاهی کاملاً علمی و مهندسی، چگونگی انجام این عملیات موفق را بررسی می‌کند.

امامی که همراه با داود جلیلی، کارگردانی این فیلم را برعهده داشته است، با اشاره به این که تاکنون ۶ مستند درباره‌ی ارتش و اتفاقات مربوط به دوران دفاع مقدس جلوی دوربین برده است، گفت: به اعتقاد من در حق همه کسانی که طی این ۸ سال کارهای بنیادین و عظیمی برای حفظ خاک کشورمان انجام داده‌اند، احجاف شده است.

وی ادامه داد: در این اثر سعی کردم ناگه‌ام را متمرکز بر فعالیت‌هایی کنم که موجبات دفاع از کشور را فراهم کرد. پیروزی ما نتیجه یک سری محاسبات و تفکرات مهندسی بود که برخی از آنها در دنیا نظیر ندارد! این که شما ۱۸۰ متر بلق بزنید و ۸ لشکر از آن بتوانند عبور کنند در هیچ کجای دنیا رخ نداده و زباتر همه است. در فیلم، ما با نگاهی کاملاً تخصصی موضوع را بررسی می‌کنیم.

امامی گفت: مستندسازان نسل‌های گذشته بیشتر بصورت حسی کار می‌کردند اما بچه‌های امروز تحصیل‌کرده و جستجوگر هستند و حساب‌شده‌تر فیلم می‌سازند. در عملیات بیت‌المقدس ما تعداد زیادی از عراقی‌ها را به اسارت گرفتیم و این موضوع می‌تواند احساسات را برانگیزد یا زمانی که موسیقی «ممد نبودی» را در تیتراژ مستندمان



می‌شنویم ممکن است بسیار تحت تأثیرمان قرار دهد، ولی قصد ما این بود که بررسی کنیم چطور به این موفقیت‌ها رسیدیم تا به مردم بگویم این موفقیت‌ها به سادگی به دست نیامده است.

وی در پایان گفت: در کشورمان اسطوره‌هایی داریم که متأسفانه به دلیل بالا رفتن سن و مشکلات جسمی و روحی که جنگ برای آن‌ها داشته، کم‌کم از یاد می‌روند. ما مستندسازان موظف به ثبت تاریخ هستیم و این افراد تاریخ زنده جنگ محسوب می‌شوند تا زمانی که زنده هستند باید از وجودشان بهره بگیریم و تاریخ را به درستی

به ثبت برسانیم.

گفتنی است که مستند «عبور ناممکن» از آثار منتخب بخش جایزه شهید آوینی جشنواره سینماحقیقت است.

پیام طباطبایی‌نژاد به جشنواره‌ی سینما حقیقت

به گزارش روابط عمومی جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، متن کامل پیام «سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد» دبیر جشنوارخ و مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به این شرح است:

«حوالحق»

سینمای مستند آیینیهی فرهنگ و هویت است. ایران عزیز با پیشینه‌ی غنی تاریخی و جغرافیای گسترده و متنوع، فرصت و موقعیتی بی‌بدیل را در ساحت هنر- رسانه‌ی مستند فراهم آورده و فیلم مستند با اتکا به توانایی هنرمندان مستندساز، آیین‌ها را رنگین‌کمان فرهنگی‌ست. سینمای مستند رسانه‌ی آگاهی و آگاهی ضرورت یگانه‌ی توسعه و تعالی جامعه‌است.

مستندساز در نقطه‌ی تلاقی اندیشه و دغدغه ایستاده است و فیلم مستند زمانی به کمال خود می‌رسد که تصویری خلاقانه و هنرمندانه از این همگرایی را برای ساختن دنیایی بهتر و زیباتر ارائه کند.

سینمای مستند ایران با تکیه بر دانش و تجربه استاید گرانقدر و دلگرم به حضور جوانان مستعد و باانگیزه، آینده‌ای روشن را برای سینمای کشور عزیزمان رقم زده است.

فرصت را مغتنم دانسته، برای همه‌ی مستندسازان و همکارانی که در برگزاری جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» کوشیده‌اند،

سرافرازی و سلامت آرزو می‌کنم.»

در سینماحقیقت ببینید: یک زندگی شبیه به فیلم‌های سینمایی مستندی از «کارل لمله» Carl Laemmle یکی از پیشروان صنعت فیلمسازی جهان و از پایه‌رزان هالیوود، در بخش چشم‌انداز سینمای مستند کشور‌های آلمانی‌زبان دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت روی پرده می‌رود.

این فیلم مستند ۸۹ دقیقه‌ای با عنوان کامل «کارل لمله یک زندگی شبیه به فیلم‌های سینمایی» محصول سال ۲۰۱۸ کشور آلمان به کارگردانی «جو مولر» است.

تهیه‌کنندگی سینما فعال بود. او سال ۱۹۲۹ درگذشت. در کارنامه‌ی فیلمسازی جو مولر JoMueller ساخت مستندهای تلویزیون ماترگورک (۲۰۱۲) و جنوب غربی افسانه‌ای (۲۰۱۶) هم به چشم می‌خورد.

دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» طی روزهای ۱۸ تا ۲۵ آذرماه ۱۳۹۷ به دبیری «سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد» در پردیس سینمایی چارسو برگزار خواهد شد.